

عنوان مقاله:

ارتباط محتوای فنولی غلات با حساسیت به ایمیداکلوپراید و سطح فعالیت آنزیمهای سم زدایی Diuraphis noxia

محل انتشار:

دو فصلنامه دانش گیاه پزشکی ایران, دوره 54, شماره 1 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

حمیده طبسیان – گروه حشرهشناسی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران

شیلا گلدسته - گروه حشرهشناسی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران

غلامحسین مروج - گروه گیاهپزشکی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

الهام صنعتگر - گروه حشرهشناسی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران

محمد قدمیاری - گروه گیاهپزشکی، دانشکده علوم کشاورزی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

خلاصه مقاله:

شته روسی گندم، Diuraphis noxia، یکی از آفات اقتصادی و چند خوار غلات است که در معرض ترکیبات شیمیایی متنوعی از جمله فنول ها قرار می گیرد. در این تحقیق برای بررسی تاثیر احتمالی محتوای فنولی میزبان بر کارآیی کنترل شیمیایی، حساسیت به ایمیداکلوپرید در شته های پرورش یافته روی ارقام گندم (شیرودی و گاسکوژن) و تریتیکاله (سناباد و جوانیلو ۹۲) به روش زیست سنجی گلخانه ای مورد بررسی قرار گرفت. مقادیر ۲۵۰۰ ایمیداکلوپرید علیه جمعیت های مذکور به ترتیب ۴۱/۲، ۴۵٬۳ م و ۷۳/۵ میلیگرم ماده موثره بر لیتر بدست آمد. لذا بیشترین حساسیت به ایمیداکلوپرید به جمعیت شیرودی تعلق گرفت. بر اساس مطالعات بیوشیمیایی، فعالیت آلفا و بتا استراز ها، گلوتاتیون اس ترانسفرازها و سیتوکروم ۴۵۰۰ برای جمعیت گاسکوژن به ترتیب، ۴۱/۱ و ۱۶/۱ برابر جمعیت شیرودی بود. این نسبت برای جمعیت سناباد به ترتیب ۴۸/۲ و ۱۹۶۰، ۴۹/۱ و ۲و برای جمعیت جوانیلو ۹۲ به ترتیب ۴۱/۲، ۴۸/۲ و ۱۹۶۰، ۴۸/۲ و برای جمعیت فنولی گیاهان با موارد محتوای فنولی ارقام مذکور به ترتیب ۴۱/۲، ۴۱/۲، ۴۱/۲، ۴۱/۲ و گیاهان میزبان آن می توان مقدار ترکیبات فنولی غلات را به عنوان شاخصی مناسب برای پیش بینی پاسخ این شته به ایمیداکلوپرید معرفی کرد.

كلمات كليدي:

زیست سنجی گلخانهای, سیتوکروم ۲۴۵۰, شته روسی گندم, کربوکسیل استرازها, گلوتاتیون اس-ترانسفرازها

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

https://civilica.com/doc/1929009

